



بدون هیچ گونه مشکلی پرورش یافته بزرگ می شوند و باقیمانده آنان نیز گاهی مشکل خاصی ندارند بعضیها از ادامه تحصیل طفره می روند و چون تا ۱۶ سالگی تحصیلات اجباری است آنان را به مدرسه شان هدایت می کنیم بزهکارانی هم هستند که بر روی جرم خود اصرار دارند و تکرار جرم می کنند ولی اعمالشان ریشه دار نیست. گروه دیگری هم وجود دارند که در پشت بزهکاری آنان مسائل فرهنگی قرار دارد و این افراد باید مورد توجه خاص باشند. ما در تلاش هستیم که توازن بین اقدامات سرکوبگرانه و اقدامات پیشگیرانه برقرار کنیم. پلیس با احترام رفتار می کند و انتظار دارد مورد احترام قرار گیرد. والدین کودکان همکاری خوبی را با پلیس دارند و اصولی را که باید مد نظر داشته باشند رعایت می کنند.

پلیس تلاش می کند که مردم عادی رفتار کنند و پشت سر قانون حرکت کنند تا جامعه به سلامت باشد و سعی کرده ایم که وظایف پلیس را به مردم خصوصاً کودکان بشناسانیم و همه بویژه کودکان بدانند که پلیس بهترین دوست و حامی آنان می باشد به همین جهت یک شخصیت کارتونی به نام رابی (Robby) خلق و درست کرده ایم و از طریق تبلیغات وسیع در سینما، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... آن را سمبل فردی که رفتارش قانونمند است به جامعه خصوصاً کودکان معرفی کرده ایم و همه دوست دارند که جای رابی باشند و هیچ وقت خلاف قانون عمل نکنند و از طریق فیلمهایی رفتار خوب رابی را

انجام داد و در هر تیم پلیس محلی یک افسر برای پیشگیری از وقوع جرم خدمت می کند و در هر بخش پلیس یک قسمت امور جنایی را انجام می دهد. پلیس از نظر ساختاری تحت نظر وزارت کشور می باشد و تحت نظارت و دستور دادگستری نیز عمل می نماید. وظیفه اصلی پلیس برقراری نظم عمومی، انجام امور مربوط به خدمات عمومی و بررسیهای جنایی می باشد در سطوح پایین تر و

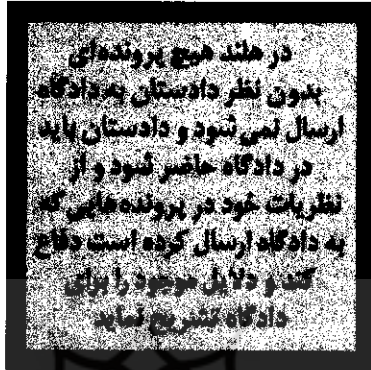
رفتار پلیس خصوصاً با نوجوانان بسیار دوستانه است ولی اگر لازم باشد جدی و با شدت عمل هم رفتار می کند جوانان مورد توجه پلیس هستند و تحت حمایت پلیس قرار دارند

محلی مسؤلیت پلیس با شهردار (فرماندار) می باشد ولی تحت تعلیمات دادستانی محل کار می کند و از این دو مقام دستور می گیرد، رفتار پلیس خصوصاً با نوجوانان بسیار دوستانه است ولی اگر لازم باشد جدی و با شدت عمل هم رفتار می کند جوانان مورد توجه پلیس هستند و تحت حمایت پلیس قرار دارند حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد نوجوانان

مرکز پلیس شهر لیدن (leiden) عصر روز دوشنبه ۸۱/۸/۶ در مرکز پلیس لیدن حاضر شده و به سخنان چند نفر از افسران ارشد این مرکز خصوصاً سربازرس (Baker) و سرگرد (Walolo de Boer) گوش فرا دادیم. مجموع اظهارات نامبردگان این است که هلند یک کشور دموکراسی است و کل کشور به ۲۵ ناحیه پلیس تقسیم می شود و لیدن در ناحیه ۱۶ می باشد در این ناحیه که حوزه استحقاقی آن ۸۷۵ کیلومتر مربع است حدود ۷۵۰ هزار نفر سکونت دارند و تعداد افرادی که به عنوان در این ناحیه انجام وظیفه می نمایند ۱۸۵۰ نفر می باشند که تعداد زیادی از آنان کارهای اداری و ستادی انجام می دهند. این مرکز پلیس تحت نظر رئیس ستاد فرماندهی کار می کند و چندین نفر مشاور تحت نظر این رئیس خدمت می کنند که در زمینه های مختلف، سیاست و رویه کاری را برای او معلوم می نمایند یکی از این مشاوران در امور ایمنی و ریسکهایی است که پلیس باید به آن بپردازد و سیستم های ایمنی را محکم می کند و اطلاعات مورد نظر را محفوظ می نمایند. مشاور سیاست و کیفیت نیز در مورد چگونگی عملکردهای مناسب پلیس اقدام می نماید. مشاور رویه کاری نیز در خصوص اینکه چگونه کارها بخوبی انجام شوند و باید بشوند اعلام نظر می کند، مثلاً اگر سرعت افزایش یافت بررسی می کند که چه کارهایی برای کشف نحوه سرقتها و پیشگیری از وقوع سرقت باید

انجام می دهند برای اینکه کسی دادستان شود باید همان آموزشهایی را که قضات محاکم می بینند طی کند و همان دیدگاه قاضی را دارد و در عین حال باید موضع گیری خاص خود را هم داشته باشد. در هلند هیچ پرونده ای بدون نظر دادستان به دادگاه ارسال نمی شود و دادستان باید در دادگاه حاضر شود و از نظریات خود در پرونده هایی که به دادگاه ارسال کرده است دفاع کند و دلایل موجود را برای دادگاه تشریح نماید. پس از اینکه پلیس پرونده ای را تشکیل داد و دلایل و شواهد و مدارک را جمع آوری کرد این دادستان است که تشخیص می دهد که دلایل جمع آوری شده کافی است یا خیر؟ و حتی اگر دلایل هم کافی باشد دادستان بر اساس صلاحدید خود می تواند از ارسال پرونده به دادگاه خودداری نماید مثلاً اگر از زمان وقوع جرم مدت مدیدی گذشته باشد و یا موضوع جرم چندان اهمیتی نداشته باشد دادستان می تواند پرونده را به دادگاه ارسال نکند. علاوه بر این پلیس قدرت و اختیارات خود را از دادستان می گیرد و خیلی از کارهایی را که پلیس انجام می دهد به دستور دادستان و با مجوز دادستان می باشد مثلاً اگر پلیس بخواهد کسی را بیشتر از ۳ روز بازداشت کند و یا این که تلفن کسی را کنترل نماید حتماً از دادستان اجازه می گیرد و اگر دادستان اجازه ندهد پلیس راساً حق چنین کارهایی را ندارد و آن شخص بازداشت نمی شود و یا آن تلفن کنترل نمی گردد. قوانین جزایی نوجوانان مربوط به اطفالی است که بین ۱۲ تا ۱۷ سال سن دارند و کسانی که کمتر از ۱۲ سال سن دارند فاقد مسؤولیت کیفری هستند و دادستان و پلیس در مورد آنان کاری نمی کنند و از طریق پلیس به شورای حمایت از کودکان معرفی می شوند که اقدام لازم به عمل آورند.

زندگی می کنند دور هم جمع می شوند (در مرکز پلیس و یا در محله خودشان) و هر روز آموزش می بینند و به پلیس می گویند که چه کارهایی را می توانند برای پلیس انجام دهند وقتی که یک حادثه ای اتفاق می افتد پلیس به مردم می گوید که چگونه در طول روز یا شب از خودشان محافظت کنند و مراقب اوضاع و احوال و خودشان باشند و این در واقع نوعی آموزش عمومی است و پس از طی دوره ده روزه، پلیس مدرک و گواهینامه می دهد که فلانی دوره آموزش عمومی پلیس را دیده است.



■ دادستانی

صبح روز سه شنبه ۸۱/۸/۷ با آقای L.A.J. DUN دادستان نوجوانان شهر آمستردام و هماهنگ کننده دادستانهایی که امور نوجوانان را در کشور هلند انجام می دهند ملاقات کردیم ایشان طی سخنان مسیوطی اظهار داشتند: دادستانها به صورت تیمی عمل می کنند و در هر تیم دو دادستان متخصص نوجوانان وجود دارد که در عین حال امور مربوط به بزرگسالان را نیز

به کودکان آموزش می دهیم. یکی از وظایف پلیس ردیابی علل بزه و بررسی مشکلات زمان آموزش کودکان است که نقش بسیار زیادی در جلوگیری از وقوع جرم دارد به همین جهت با مدارس هماهنگی های لازم به عمل آمده و افسران را به مدارس اعزام می کنیم و حضوراً آموزشهایی را به کودکان می دهند و این امر تأثیر فراوانی بر آینده کودکان دارد و همه قانونی رفتار می کنند و در آینده مقدار جرم کم می شود و رفتار بزهکارانه کاهش پیدا می کند بعضی وقتها به کودکان در مدارس تکلیف شب می دهیم و از آنان می خواهیم برای ما بنویسند که پلیس چکار باید بکند و یا چه کارهایی را کودکان باید انجام دهند و افسران پلیس نوجوانان در سر کلاس درس کودکان حاضر شده و قریب ۱۴ درس به کودکان می دهند (کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال) درسهایی که پلیس می دهد عبارت از نحوه جلوگیری از سرقت، وسایل و مواد آتش زا و نحوه جلوگیری از آتش سوزی و نحوه اطفای حریق، ترافیک و نحوه عبور از خیابانها، شناسایی (Halt)، قمار، مواد مخدر، حمل و نقل عمومی، الکل، تخریب اموال عمومی و وسندلیهای اتوبوس و... می باشد. بعضی از درسهای به صورت فیلم ویدئویی و یا پوستر است و شعار پلیس این است که طبیعی و عادی عمل کنید و مواظب رفتار خود باشید. بعضی از کودکان نیز با پلیس همکاری می کنند و بدون اینکه لباس فرم پلیس را بپوشند رفتارشان عادی است و اگر خبری را کسب کردند فوراً به پلیس اطلاع می دهند بعضی وقتها افرادی که جرمی را انجام داده اند و گرفتار شده اند به محلات مختلف برده می شوند این افراد از جرمی که انجام داده اند و مشکلاتی که در رابطه با آن جرم برای آنها بوجود آمده است برای کودکان حرف می زنند و از آنان می خواهند که این کارها را انجام ندهند و در واقع از تنبیه خود برای سایر کودکان صحبت می کنند و در واقع این افراد پشیمان شده و نام بهترین دستیار برای پلیس در جهت آموزش هستند.

در مرکز پلیس جایی برای بازداشت شش ساعته بزهکاران نوجوان قرار دارد و کسانی که زیر ۱۲ سال سن دارند کلاً در سلولها نگهداری می شوند. اطاق بازجویی نوجوانان دارای میز و صندلی و مرتب است و مجهز به دوربین مدار بسته می باشد و باید به نوجوان گفته شود که تحت دوربین قرار دارد و از او فیلمبرداری می شود. هلند یک کشور چند قومی است به همین جهت بعضی از کودکان مهاجرین مشکلاتی را دارند و روز به روز این مشکلات بیشتر می شود و اکثراً دست به سرقت از مغازه ها می زنند و یا اموال عمومی را تخریب می کنند و یا ولگردی می نمایند و این جرایم بیشتر در بعد از وقت تعطیلی مدارس صورت می گیرد و نوع بزه آنان ساده و متعارف است.

یک برنامه خوبی که پلیس دارد آموزش عمومی است و افرادی که در محله ای

هر از چند گاهی در جامعه این بحث پیش می آید که سن کیفری تقلیل پیدا کند و به ده سال برسد یعنی کسانی که زیر ده سال سن دارند از مسؤلیت کیفری معاف باشند و علتش هم این است که ارتکاب جرم توسط این اطفال گسترش پیدا کرده و سن مرتکبین جرم تقلیل یافته است. در کشور هلند حداکثر مجازات برای اشخاص ۱۶ و ۱۷ ساله دو سال حبس در کانونهای بسته (اصلاح و تربیت) می باشد. یکی از نکات جالب در قوانین به نوجوانان این است که مقررات جنبه تنبیهی ندارد و سعی شده که عمل نوجوانان مورد اغماض قرار گیرد و علتش این است که نوجوانان ماجراجو هستند و می خواهند بدانند که تا چه حد و مرزی می توانند جلو بروند و حتی دوست دارند که از آن حد و مرز هم جلوتر بروند و این کنجکاوی از خصیصه های کودکان می باشد و ما یک سری اقداماتی برای آموزش خانواده ها برقرار کرده ایم و این آموزشها برای روشن کردن خانواده ها ضروری است. بازداشت نوجوانان آخرین حربه است و اگر

نوجوانی تخلفی کرد سعی می شود با وادار کردن او به کارهای اجتماعی توان او را درآماده سازی برای ورود به اجتماع بیشتر کنیم و دوره هایی برگزار می شود که توان اجتماعی کودکان را بالا می برد. کودکانی که دچار اختلالات رفتاری هستند به کانون نگهداری کودکان فرستاده می شوند تا به نوعی معالجه شوند این دوره نگهداری ممکن است چندین ماه به

افرادى که در این مجموعه نگهدارى می شوند دو دسته هستند یک دسته از آنان داراى حکم دادگاه می باشند و دسته دیگر کسانی هستند که در مورد آنان تحقیق می شود و یا از نظر روانى مشکل دارند و روانکاو باید در موردشان نظر بدهد

طول بیانجامد و تا وقتی که روانکاو و روان شناس اعلام نظر نماید که خطری از جانب آن کودک جامعه را تهدید نمی کند در آن محل نگهداری می شود. در طول سال تقریباً ۵ هزار فقره پرونده در مورد نوجوانان تنظیم می شود که چنانچه جرم ارتكابی کوچک و کم اهمیت باشد مثلاً دستبرد از مغازه ها و یا خط کشیدن روی دیوارهای عمومی، آن کودک به انجام کار اجتماعی وادار می شود که مدت آن حداکثر ۲۰ ساعت می باشد و از پدر و مادر نوجوانان خواسته می شود بیایند و شاهد عمل فرزند خود باشند گاهی هم از آن نوجوان خواسته می شود که برای قربانی (مجنی علیه) نامه ای بنویسد و از او عذر خواهی نماید و همین کارها به عنوان یک مجازات برای آن نوجوان کافی است ولی اگر جرم آن نوجوان مهمتر و سنگین تر بود مثلاً سرقت رادیو پخش اتومبیل و یا زخمی کردن دیگران (ضرب و جرح عمدی) یک نفر در اداره پلیس به عنوان دستیار دادستان کار می کند که می تواند این نوجوانان

بزهکار را حداکثر تا ۴۰ ساعت به کارهای اجتماعی وادار نماید و در موارد جدی تر و جرم مهمتر آن نوجوان طی حداکثر ۴ روز نزد قاضی دادگاه اعزام می شود مثلاً اگر نوجوان مرتکب جرائمی از قبیل سرقت منازل، سرقت خودرو، خرید و فروش و استعمال مواد مخدر شد در این صورت پرونده باید سریع و بدون اتلاف وقت به نظر قاضی برسد در گذشته وقتی که جرمی واقع می شد حدود دو سال طول می کشید تا دادرسی برقرار شود و قضات دادگاهها فرصتهای زیادی به کودکان می دادند و این امر موجب شده بود که کودکان توجه چندانی نکنند و حتی مرتکب جرائم سنگین تری هم بشوند و عادت به ارتکاب جرم پیدا کنند اما حالا شکل گیری پرونده در مرحله تحقیقات پلیس ظرف یک ماه و انجام تحقیقات دادستانی دو ماه می باشد و قاضی دادگاه هم باید ظرف یک ماه رسیدگی نموده حکم بدهد فلذا کل فرآیند پرونده از شش ماه تجاوز نمی کند و در عرض این مدت کودک به خانواده اش تحویل می شود و یا اگر لازم باشد شورای مراقبت از کودکان جایی برای نگهداری او معلوم می کند و یا اینکه در کانون نگهداری از کودکان (کانون اصلاح و تربیت) نگهداری می شود علت تسریع در دادرسی این بود که پس از بررسی های لازم به این نتیجه رسیدیم که مجازات ها باید ثمر بخش باشند و در صورتی ثمر بخش است که فاصله چندانی با زمان وقوع جرم نداشته باشد.

در حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ مجرم نوجوان هستند که عادت به ارتکاب جرم دارند و دائماً مرتکب جرم می شوند و کارشان بزهکاری است و ما سعی کرده ایم که از طریق مداخلات مناسب، سایر نوجوانان به جمع این قبیل افراد داخل نشوند. در مواردی که بزه جدی تر است و یا با خشونت همراه می باشد مانند سرقت از منازل حمل و فرش مواد مخدر و موارد تکرار جرم، نوجوانان را نزد قاضی می آورند و از والدین او دعوت می شود که حاضر شوند و انجمن حمایت از کودکان هم وارد عمل می شود و بخش تعلیق مجازات هم وارد کار می شود و همه تلاش می کنند که کودک متوجه عمل شدید خود بشود و از عملکرد خود پشیمان گردد. دادستانها با قضات مربوط به نوجوانان رابطه خوبی دارند و با همدیگر مشورت می کنند و یک سری قوانین نانوشته وجود دارد که بین خودمان بصورت دستورالعمل و رویه در آورده ایم مثلاً اگر نوجوانی فقط یک کیف قاچاقی کرده باشد بعد از ده روز مجازات او تعلیق می شود و او را آزاد می کنیم ولی اگر حین سرقت مبادرت به ضرب و جرح مال باخته هم کرده باشد باید شدیدتر مجازات شود و مثلاً سه ماه نگهداری گردد و این تصمیمی است که قاضی دادگاه می گیرد و با دادستان مشورت می کند و گرچه این روال قانونی نیست ولی دادگاه به حرف دادستان گوش داده و ترتیب اثر می دهد و قضات دادگاه های اطفال با دادستان مرتباً در تماس هستند و مذاکره

می کنند و دادگاه معمولاً به گفته های دادستان توجه می کند. در مواردی هم که جرم شدید نباشد دادستان با وکیل کودک مذاکره می کند و توافق می نمایند که مثلاً کودک ۴۰ ساعت کار اجتماعی انجام دهد و مراتب را به دادگاه اعلام می نمایند و دادگاه هم بر اساس توافق وکیل کودک و دادستان حکم می دهد (وزارت دادگستری موافق این نحوه عملکرد نیست و بهتر می داند که قاضی دادگاه خودش رسیدگی نموده حکم دهد).

در مواردی که بزه ارتكابی خیلی سنگین است کودک را نگهداری می کنند تا وقت محاکمه برسد و بعد از محاکمه هم او را نگهداری می کنند و در این مدت از روان شناس خواسته می شود که با معاینه آن کودک نظر بدهد و وضعیت روانی کودک را معلوم نماید و چنانچه روان شناس بگوید که کودک مشکل روانی دارد حتی بعد از این مدتها نیز ممکن است کودک را نگهداری کنند تا مشکل بیماری روانی وی و آن اختلال موجود رفع شود.

دادستانی نقشی در پیشگیری جرایم ندارد و معمولاً بعد از وقوع جرم در پرونده دخالت می کند ولیکن با توجه به تعاملی که با سازمانهای ذی ربط دارد پیشنهادهایی می دهد که مؤثر واقع می شود و بازرسانی را به مدارس می فرستد و مرتباً با کودکان در تماس هستند و تذکراتی را به کودکان می دهند و دوره های آموزشی می گذارند و به کودکان تفهیم می نمایند که جرایم چه آثار روانی بر روی دیگران دارد. در عین حال سیستمهایی در محله های مختلف تشکیل می شود و کارهایی انجام می دهند که جنبه آموزش خانواده دارد و آنان را در برخورد با بزهکاری اطفال و نحوه جلوگیری از وقوع جرم آشنا می کند و آمادگی لازم را به آنان می دهد. در حال حاضر قریب ده درصد کل جرایم توسط نوجوانان انجام می شود و بین دختران و پسران هم فرقی وجود ندارد ولیکن دختران کمتر مبادرت به ارتکاب جرم می نمایند و بیشتر دنباله رو پسران می باشند. در مورد کودکان خیابانی مرکزی به نام حمایت از کودکان قربانی وجود دارد که اقدامات لازم را در خصوص این کودکان انجام می دهند و اگر کودک فاقد خانواده و سرپرست بود و یا سرپرست کودک خودش مقصر بود شورای مراقبت از کودکان یک شبه خانواده تعیین می کند تا او را تحت سرپرستی و حضانت قرار دهد.

■ مرکز نگهداری نوجوانان

عصر روز سه شنبه ۸/۸/۸۱ از مرکز نگهداری نوجوانان واقع در شهر آمستردام بازدید به عمل آمد. این مرکز در محوطه ای وسیع و مشجر قرار داشت که درب بزرگ آهنی به صورت کنترل از راه دور و با نیروی برق باز و بسته می شد و ساختمان آن مدرن و به صورت هفت بخش تفکیک شده و جدا از همدیگر که از طریق کریدورهایی به یکدیگر متصل می گردیدند ساخته شده و با بستن درب کریدورها ارتباط با ساختمان بعدی به طور کلی قطع می شد

خاصی دیده اند (دوره های حفاظتی) و اگر کسی مبادرت به فرار کرد رأساً اقدام می نمایند و یا از پلیس استمداد می کنند و اگر نوجوانان از دیوار بیرونی خارج شد مددکار وظیفه تعقیب او را ندارد و باید به محل کارش برای محافظت سایر نوجوانان برگردد و فوراً جریان را برای تعقیب زندانی فراری به پلیس و مقامات مسؤول گزارش دهد.

نوجوانان این مرکز هفته ای ۱/۵ ساعت حق ملاقات دارند و اولویت با پدر و مادرشان است و اخیراً اعلام شده که حق ملاقات دوستان را دارند مشروط بر اینکه آن دوست از اعضای باند جنایتکار و یا مخرب کودک نباشد. اگر نوجوانی ناآرامی کرد از دیگران جدا می شود و اگر خودزنی کرد بلافاصله با روان شناس و روان کاو در میان می گذاریم تا مراجعه نمایند و اعضای تیم نگهداری حق اهانت و بی احترامی به آن کودک را ندارند و همچنین اجازه نمی دهند که آن کودک به دیگران اهانت و یا ضرب و جرحی بنماید این قبیل ناآرامی ها ۲ یا ۳ بار

مجموعه این است که روی تک تک این نوجوانان کار کند و آنان را پرورش دهد و برای حضور در جامعه آماده کند کسانی که در این مجموعه کار می کنند در واقع نگاهبان نیستند بلکه معلم و الگو برای این بچه ها هستند و ضمن رعایت مسایل امنیتی سعی می کنند به طور مستقیم و یا غیر مستقیم این بچه ها را تحت آموزش قرار دهند.

کودکانی که به این مجموعه وارد می شوند بدو محدود دو یا سه هفته در جایی نگهداری می شوند که با مقررات ما آشنایی پیدا کنند (قرنطینه) این مقررات ممکن است بر شان سخت باشد ولی چاره ای نیست و باید تحمل کنند پس از شش هفته و در صورت پذیرش مقررات آنان را به قسمتی می برند که برای مدت طولانی تر نگهداری می شوند و یا به جایی می برند که برای ورود به جامعه آماده کنند. افرادی که در این مجموعه نگهداری می شوند دو دسته هستند یک دسته از آنان دارای حکم دادگاه می باشند و دادگاه معلوم کرده است که برای چه مدتی نگهداری شوند و به

(در موقع شورش زندانیان و یا فرار زندانی کنترل هر بخش به آسانی و بدون ارتباط با بخش دیگر صورت می گیرد). در هر بخش تعدادی سلول انفرادی و سلولهای دو یا چند نفره (حداکثر شش نفره) و سالنهای غذا خوری کارکنان و بوفه و سالن کار و حرفه آموزی و صنایع دستی و امور ورزشی و فرهنگی و... وجود داشت کل ساختمان مجهز به سیستم کنترل بوسیله دوربینهای مدار بسته بود و در سقف سلولها نیز از این دوربینها تعبیه شده بود در هر سلول یک نوالث و یک شیر آب و ظرفشویی و یک سکوی استراحت قرار داشت و نور آن کافی بود. دیوار بیرونی کل این تأسیسات توری آهنی و مجهز به دوربین متصل به اتاق کنترل می باشد در هر سلول تابلوی کوچکی قرار داشت که به زندانی هشدار می داد به وسیله دوربین مدار بسته تحت کنترل می باشد. مسؤول گروه نگهداری کودکان طی توضیحاتی بیان داشت این مجموعه ویژگی هایی دارد چون بخشی از هزینه هایش را دادگستری و قسمتی را

بخش خصوصی می دهد به همین جهت نمی توان آن را دولتی و یا خصوصی تلقی کرد.

روش کاری این مجموعه با سایر زندان ها تفاوت دارد چون نحوه برخورد با کودکان به صورتی است که سعی می شود که کودکان وادار به تفکر نسبت به کاری که کرده اند بشوند و هدف برخورد فیزیکی با کودکان و یا بازداشت آنان نمی باشد. کارکنان این مجموعه با لباس فرم و رسمی به عنوان پلیس و نگاهبان نیستند و همه با لباس شخصی و تحت عنوان یک تیم کار می کنند و در هفت بخش این مؤسسه چندین تیم به صورت شبانه

روزی انجام وظیفه می نمایند کودکان در این مجموعه حقوق خاصی دارند و همچنین دارای وظایف خاصی می باشند که باید به حقوق و وظایف خود واقف باشند و غالباً هم به حقوق و وظایف خود آشنا هستند و چون به حق خود می رسند نیازی به نگاهبان ندارند و آرام و طبیعی به زندگی خود ادامه می دهند و در صدد فرار از این محل نیستند به همین جهت سیستم امنیتی این مجموعه از زندانهای عمومی کمتر است. نوجوانان در داخل مجموعه حق تماس و ارتباط با یکدیگر را دارند و در این مرکز فقط پسران نگهداری می شوند. مجوز نگهداری آنان نیز حکمی است که قاضی دادگاه صادر کرده است و بعضیها به خاطر ارتکاب جرم و بعضی دیگر به علت این که خانه شان جای مناسبی نبوده و قاضی لزوم نگهداری آنان را تشخیص داده دستور نگهداری شان را صادر نموده است به گروه اول که مرتکب جرم شده اند بازداشتیهایی کیفری و به گروه دوم بازداشتیهایی مدنی می گویند هدف و مأموریت این



عبارت دیگر مدت و زمان بازداشت آنان معلوم و مشخص است دسته دیگر کسانی هستند که در مورد آنان تحقیق می شود و یا از نظر روانی مشکل دارند و روانکاو باید در موردشان نظر بدهد که نگهداری ادامه پیدا کند و یا به مراکز درمان روانی اعزام شوند که به آن مراکز اعزام خواهند شد. در هر یک از هفت بخش این مجموعه ده نفر به صورت شبانه روزی کار می کنند و در هر بخش حدود یازده نفر مددجو نگهداری می شود بنابراین حدود هفتاد نفر برای هشتاد نوجوان کار می کنند. حدود ۳۰ درصد از این نوجوانان مراجعه بعدی به این مراکز داشته اند و همه ساله حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر پذیرش می شود بعضی از کودکان حدود سه ماه قبل از محاکمه در بازداشت به سر می برند و دادگاه می تواند این مدت را تمدید نماید. چنانچه رفتار و عملکرد نوجوانی خوب باشد این مراکز به دادگاه پیشنهاد می کند که اجازه دهد آن کودک آخر هفته به منزلش برود. کارکنان این مرکز بیشتر از مددکاران اجتماعی انتخاب می شوند و دوره های